

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۲۰۱۱ می

بررسی مختصر قرآن

بخش چهارم

قرآن، محمد و زن - قسمت دوم

محمد پیمبر آخرالزمان علاقه عجیبی به خانمها داشته و با زن های زیادی ازدواج نموده است و خودش درین باره گفته است :

بر شما باد که با خوبرویان نمکین صورت و مشکین چشم معاشرت نمائید (سفینه "ملح" ص ۵۴۶ خیر و خوبی را نزد خوبرویان جست و جو کنید (بحار ۱۵ قسمت ۲ ص ۲۶) یوسف زیبا ترین بود ولی من از او نمکین ترم سفینه "ملح" ص ۵۴۶ مختصر چند حدیث جناب شان نشان دهنده سلیقه و ذوق پیمبر اسلام در مورد جنس لطیف می باشد که روی این منظور هر جا زنی میسر بود او عقدش نمود. در حمله به قرأت یهودی نشین زنهای آنها جز غنیمت جنگی حساب شده و لشکریان بی بند و بار آنها را مال خود دانسته و به ایشان تجاوز می نمودند که البته سر قومندان نهضت اسلامی هم خود را ازین غنیمت ها بی نصیب نگاه نمی داشت و در لابه لای این نوشته به طرز تفکر و عملکرد شان در قبال خانم ها و اینکه چگونه برای سهولت اعمال شان خدا به دادش رسیده و آیت پشت آیت برایش نازل می کرد خواهیم پر داخت. و باید خاطر نشان ساخت که پیروان اسلام ازین ضعف اخلاقی محمد طفره رفته و همه ازدواج های محمد را شکل سیاسی و یا دلسوزانه داده و با گفتن و نوشتن دروغ های تاریخی در این باره استدلالات نموده اند.

یکی ازین استدلالات این است که محمد تنها برای کمک مالی و سر پرستی بیوه زنان با آنها ازدواج می کرده است در حالیکه تقریباً هیچ خانم محمد فقیر نبوده بلکه اکثرًا غنی هم بوده اند. و محمد نه برای رفع غرایض جنسی زنها با اوشان ازدواج می نمود بلکه برای فرو نشانندن آتش شهوت خود این عمل را انجام می داد. آیت ۵۱ سوره احزاب درین زمینه روشنی می اندازد:

(از زنان خود هر که را خواهی به نوبت موخر دار و هرکه را خواهی با خود نگهدار و اگر از آنها که دور داشته ای یکی را بطلبی بر تو گناهی نیست در گزینش و اختیار باید که شاد مان باشند و غمگین نشوند و از آنچه همگی شانرا ارزانی می داری باید که خوشنود گردند و خدا می داند که در دل های شما چیست و خدا است که دانا و

بردار است) بلی این پیمبر ماست که **قرآن** راجع به نوبت خانمهایش صحبت می دارد و هموطن شریف و نجیب من بدون اینکه معنی آنرا بفهمد از خواندن و شنیدن آن زار زار گریه می کند...

یک مورد دیگر از سلیقه محمد در آیت ۵۲ سوره احزاب نشان دهنده غیر ترحم محمد است و آن خوش آمدن است توجه فرمائید : **بعد ازین "زنان" هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای شان اختیار کردن هر چند ترا از زیبایی او خوش آید مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد و خدا مراقب هر چیزی است...** اکنون می پردازیم به شرح مختصر از زنان پیمبر اسلام و همچنان زنانی که محمد آنها را می خواست اما به او ندادند و زنانی که از او طلاق گرفته اند . همچنان زنانی که خود را به پیمبر اسلام بخشیده اند . سعی می دارم این ردیف را با ذکر منابع روشن سازم :

۱- **خدیجه** دختر خویلد بن اسین عبدالعزی (ملقب بود به خیر النساء العالمین) محمد وقتی ۲۵ ساله بود با او که زن تجارت پیشه و صاحب مال و منال فراوان بود و سن او ۴۰ بود ازدواج کرد. خدیجه قبلاً دو بار ازدواج نموده بود و دو دختر داشت . (صحیح بخاری ۵ شماره ۱۰۳ و ۱۰۵ تاریخ طبری جلد ۳۹ ص ۳۹۵)

۲- **سوده** دختر زمعه بن قیس العامریه (صاحبته الهجرتین) زن سوم محمد بود . سوده بیوه زن (نام همسر پیشین وی سکران بن عمرو بوده است) مسلمانی بود اهل حبشه که پدرش او را به محمد داده بود و محمد قبل از آوردن عایشه به خانه او را به خانه آورده بود. سوده به روایاتی ۵۰ سال عمر داشت و محمد برای نگهداری از بچه هایش و همچنان اداره خانه اش به سوده احتیاج داشت... عایشه روایت کرده است که سوده برخی اوقات **از نوبت خود می گذشت تا پیمبر شب خود را با عایشه بگذراند** . محمد در حالی با سوده ازدواج کرد که تقریباً چاره و امکان دیگر برای ازدواج نداشت زیرا قبیله قریش او را طرد نموده بود و در آن سالها ازدواج کردن با فرزندان عبدالمطلب و بنی هاشم بر ضد مفاد عهد نامه ای بود که منجر به شعب ابیطالب شد بنابراین محمد از روی اجبار و ضرورت شدید با سوده ازدواج کرد (تاریخ طبری جلد ۳۹ ص ۱۶۹) (ابو داوود جلد ۲ ص ۵۷۲) (صحیح مسلم جلد ۲ شماره ۶۵۱) (بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۲)

۳- **عایشه** . دختر ابوبکر صدیق (افقه نساء العالم) محمد وقتی عایشه ۶ ساله بود با وی ازدواج کرد و در سن ۹ سالگی با او وقتی خود ۵۳ سال داشت همسر و همبستر شد (**فکر میکنم این یک بیماری روانی و انحراف جنسی است**) عایشه محبوب ترین زن محمد بود. محمد در وقت وفات سرش را روی سینه عایشه گذاشته بود. علاقه محمد به عایشه تا جایی بود که وقتی که زینب عایشه را محکوم به زنا با صفوان کرده بود محمد از طرف الله آیاتی آورد تا عایشه را برانت دهد. نا گفته نماند که عایشه از روایان مهم حدیث و از حافظان قرآن حساب می شود. اینک یک حدیثی از عایشه می خوانیم (**با عرض پوزش و معذرت از تمام خوانندگان**) از عایشه در باره لباسی که به منی **الوده** می شود سوال شد (**آیا پاک است یا خیر ؟ عایشه گفت : معمولاً من منی را که بر لباس پیغمبر می بود می شستم وقتی پیغمبر برای انجام نماز بیرون می رفت هنوز آثار تری و نم آب بر لباسش باقی می ماند**) (حدیث ۱۶۵ صفحه ۱۶۸-الوئوءوالمرجان- احادیث مشترک صحیح بخاری و مسلم جلد اول) عایشه با علی خصومت داشت و چند سال هم با علی بعد از مرگ محمد جنگید بد نخواهد بود تا جریان را به ملاحظه تاریخ بخوانیم :

"جوریه" دختر حارث بن ابو ضرار رئیس قبیله بنی مصطلق و زن مسافع بن صفوان جز غنایمی بود که از غزوه مریسیع (بنی المصطلق) به دست یکی از مسلمانان افتاد (شرح این حمله مسلمانان را در جمله دیگر غزوات و غنیمت گرفتن های محمد بعدا می خوانیم) مالک جوریه از او طلب فدییه (خراج) می کرد که برای جوریه غیر قابل پرداخت بود پس جوریه پیش محمد رفت و از او طلب کمک کرد و چون جوریه زن زیبا و با کمالی بود محمد ۴۰۰

در هم به مالک او داد و جوریه را خرید و با او ازدواج کرد درین حین در مدینه بین نوکر عمرو یکی از مردمان خرزج نزاعی در گرفت و عبدالله بن اتبی یکی از مخالفان با نفوذ محمد در مدینه ازین مسأله استفاده کرده و شروع به بر آشفتن مردم کرد. به همین دلیل محمد در مراجعت به مدینه شتاب کرد تا عبدالله بن ابی را از تحریک و دسیسه باز دارد .

درین سفر عایشه همراه محمد بود و ازینکه محمد در مدت زمان کوتاهی دو زن جدید گرفته بود چندان خوشحال نبود چونکه قبل ازین غزوه محمد بعد از مشکلات فراوان زینب را از زید جدا کرده و به عقد خود در آورده بود و حالا هم جوریه را در این غزوه خریداری کرده بود. در موقع یکی از توقف های کوتاه سپاه، عایشه برای قضای حاجت بیرون می رود و در همان زمان یکی از جواهرات خود را گم می کند و به همین دلیل از سپاه جدا می ماند سپس کنیزان عایشه کجاوه خالی او را بر شترش می گذارند و **متوجه نمی شوند** که عایشه در آن نیست و سپاه به راه خود ادامه می دهد .

عایشه همانجا صبر می کند تا صفوان بن المعطل عقب دار سپاه به او برسد. صفوان عایشه را بر شتر خود سوار می کند و **فردای آن** روز به مدینه می آورد. به دلیل رقابتی که بین زینب و عایشه وجود داشته زینب عایشه را متهم به رابطه با صفوان می کند و عبدالله بن ابی که مخالفت او با محمد آشکار بود با زینب و خواهرش همصدا شده و این خبر را در شهر پخش می کنند. پس از مدت ۲۰ روز این شایعات به گوش عایشه می رسد (به گفته عایشه) ولی از قرار معلوم ناراحتی و بی اعتنائی محمد عایشه را وادار می کند تا به خانه پدرش ابوبکر برود. محمد در تلاش به دست آوردن واقعیت علی را مأمور به بازجویی از (بریره) کنیز عایشه می کند که حتی علی بریره را در حضور محمد مورد لت و کوب قرار می دهد تا شاید ماجرا را فاش نماید. **(لازم است گفته شود که آیا کسانی که کجاوه عایشه را بر شترش می گذارند نمی فهمند که کجاوه خالی است؟؟ آیا نمی توانستند داخل کجاوه را ببینند؟؟ یا با عایشه گفت و گوی بکنند؟؟ آیا صفوان که مراقبت سپاه را به عهده داشت نمی توانست خود را زود تر به سپاه برساند؟؟)** با وجود این شکها محمد به خانه ابوبکر رفت و با عایشه سخن گفت و در همانجا به محمد **وحی** آمد و سوره نور نازل شد. در آخر این ماجرا مسطح بن اثاثه حسان بن ثابت و جمنه خواهر زینب به جرم تهمت زدن به عایشه هشتاد ضربه شلاق خوردند. حال می پردازیم به ترجمه چند آیت سوره نور.

آیت ۴: **آنانکه به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آنگاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را هشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هر گز شهادت آنها را نپذیرید که مردم فاسق هستند.** (این جمله چهار شاهد عادل؟؟ خیلی جالب است)

آیت ۱۱: **همانا از آن گروه منافقان که بهتان به شما مسلمانان بستند (و به عایشه تهمت کار ناشایست زدند که رسول را بیازارند) می پندارند ضرری به آبروی شما می رسد بلکه خیر و ثواب نیز (چون بر تهمت صبر کنید از الله) خواهید یافت و هر یک از آنها به اعقاب اعمال خواهند رسید و هر کس از منافقان که رأس و منشاء این بهتان بزرگ گشت هم او به عذاب سخت معذب خواهد شد .**

آیت ۱۲: **آیا سزاوار نبود که شما مؤمنان زن و مرد تان چون از منافقان چنین بهتان و دروغ ها شنیدید حسن ظن تان در باره یکدیگر بیشتر شده گوئید این سخن منافقان دروغی است آشکار .**

آیت ۱۳: **چرا منافقان بر دعوی خود چهار شاهد (عادل) اقامه نکردند پس حال که شاهد نیاوردند البته نزد الله مردمی دروغ گو هستند.**

آیت ۱۵: **زیرا شما سخنان (دروغ) منافقان را از زبان یکدیگر تلقی کرده حرفی به زبان می آرید که به آن علم**

ندارید و این کار را آسان و کوچک می‌پندارید در حالیکه نزد الله این بهتان بزرگ و تهمت محض است.
آیت ۱۶ : چرا به محض شنیدن این سخن نگفتید که هرگز ما را تکلم به این روا نیست پاک الله این بهتان بزرگ و تهمت محض است.

آیت ۱۹ – آنانکه (چون عبدالله بن ابی سلول و غیر او) دو ست می‌دارند که در میان اهل ایمان کاری منکری را اشاعه دهند آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و الله می‌داند و شما نمی‌دانید...
(این بود جریان مفقودی عایشه از کاروان)

خانم چهارم شان **ام سلمه** دختر امیه بن المغیره می‌باشد که زن یکی از مسلمانان بنام ابو سلمه بن ابو الاسد بود که در جنگ احد زخم مهلکی بر داشته و در نهایت کشته شده بود. ام سلمه در وقت ازدواج با محمد ۲۹ ساله و محمد ۵۳ ساله بود و از کلیه زنان محمد بیشتر عمر کرد. (ابو داوود ج ۱ ص ۶۸ – سنن نساء جلد ۱ ص ۲۲۸ بن ماجه ج ۳ ص ۷۲ تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۸۰ بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۳)
عمر ابن خطاب روایت کرده است : پیامبر گفت :

مرد در مورد اینکه برای چی زنش را کتک زده است پرس و جو نمی‌شود . (سنن ابو داوود کتاب ۱۱ بخش ۷۰۹ در باب زدن زنان شماره ۲۱۴۲) محمد گفت :

اگر مردی زنش را به بستر فراخواند (که بخواهد به او نزدیکی کند) و او (زن) سر باز زند و باعث شود که او (مرد) با خشم به خواب برود **فرشته‌ها** تا صبح او را لعنت میکنند. صحیح مسلم کتاب ۸ شماره ۳۳۶۷ منقول است از انس :

پیامبر با همه زناش در یک شب سکس می‌داشت و وی نه (۹) زن داشت. صحیح بخاری جلد ۷ کتاب ۶۲ شماره ۶

منقول است از ابو سعید الخدری : پیامبر فرمود :

مگر چنین نیست که شهادت یک زن برابر نیمی از شهادت یک مرد است ؟ زن گفت بلی . پیامبر فرمود : دلیل آن کمبود عقل در زنان است. صحیح بخاری جلد ۳ کتاب ۴۸ شماره ۸۲۶

سوره نساء آیت ۳ می‌گوید : و اگر در اجرای عدالت بین دختران یتیم بی‌مناکید هر چه از زنان (دیگر) که شما را پسند افتاد دو، سه، چهار، چهار به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که اگر نتوانید به عدالت رفتار کنید به یک (زن) یا به آنچه از کنیزان مالک شده اید (اکتفاء کنید...)

و اما آیت ۱۲۹ همین سوره نساء می‌گوید : شما هر گز نمی‌توانید عدالت را میان زنان تان اجراء کنید هر چند (برین کار) حریص باشید.

سوره بقره آیت ۲۲۲ . و می‌پر سندت از عادت زنان. بگو رنجی است برای زنان. در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید تا آنکه پاک شوند...

سوره احزاب آیت ۳۶ (هیچ مرد و زن مؤمن را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست) که رأی خلافی اظهار نمایند)

این بود چند حدیث جناب پیامبر و چند آیاتی از قرآن که به ارتباط زن و خانم‌های پیامبر محبوب خداوند آسمانی خدمت شما عرض شد . البته احوال بقیه خانم‌ها و داستان‌های مربوط آنها تا آنجای که مقدور و مستند باشد در بخش دیگر و به دوام همین سلسله به تحریر خواهد آمد.